

## سندی از ظهور شوونیسیم در ایران

علیرضا صرافی

گزارش خبری که ذیلاً ملاحظه می‌فرمایید، مربوط به ۷۵ سال پیش است. این گزارش در روزنامه معروف "ملانصرالدین" چاپ شده است. روزنامه ملانصرالدین به همت "میرزا جلیل محمدقلی زاده" از سال ۱۹۰۶ میلادی (۱۲۸۵ ه.ش) به مدت ۲۵ سال به تناوب در شهرهای تفلیس، تبریز، باکو و ... چاپ می‌شد و بسیاری از مطالب آن در ارتباط با وقایع ایران است.

در ایران دوره رضاشاهی آزادیخواهان شدیداً تحت پیگرد سیاسی قرار داشتند و سانسور وسیعی در عرصه مطبوعات داخلی حکمفرما بود، لذا گزارش زیر (که شاید در نوع خود منحصر بفرد باشد) از نقطه نظر واکنش نخبگان آذربایجانی در مقابل شوونیسیم فارس حائز اهمیت فراوانی است.

اصل گزارش به ترکی است و ذیلاً هم متن اصلی و هم ترجمه آن آورده می‌شود:

### متن اصلی ترکی:

#### اصل مقصد نه ایمیش؟

بو گونلرده مسجدرین بیرینده بؤیوک ییغینجاق واریدی. جمع اولانلار هامیسی باکیدا یاشایان ایرانلیلار ایدی. من ده اوزومو بیر سایاق مسجده سالدیم.

معلوم اولدو کی، جماعتین بورایا توپلاشماغینا سبب تبریز آزادیخواه‌لاریندان محمد حسن علی زوزینین تازالیقجا تهراندان قاچاق صورتینده بیر نوع گیلاندان کئچیب، اوزونو باکییا سالماسیدیر.

ساعات ۱۲- ده محمد حسن زوزی منبره چیخدی و قولتوق جیبیندن بیر نسخه روزنامه چیخاردیب، جماعته سلام وئردی و باشلادی:

- من بو دقیقه اوزومو خوشبخت حیس ائدیرم کی بیر چوخ قورخولاردان سونرا بورادا وطن قارداشلاریم ایله گوروشمک و دردیمی اونلارا آچیب سؤیله مک منه میسر اولدو. عرض ائدیرم کی قلبیمده و روحومدا اولان منیم معنوی یارام، نه قدر تهلیکه لی اولسادا، بو مجلسده منیم جمیع دردلریم شفایاب اولاجاقدیر.

صحبت خلق اولوناندان بو وقته دک ایرانلیلارین باشینا گلن مصیبتلر اوستونده دیر، بو گونکو گونده اطرافیمیزدا کی قونشو میللتلر آزادلیق نفسی آلدیقلاری حالدا بیز بختی قارا ایرانلیلار بو آزادلیغین یاخینلاشماغینا اومیدوار اولماق ایسته بیردیک کی بیر نفر مازندرانی اوزونو "شاه" اعلام ائتمکله یئنه بیز اهلینین باشینا بیر بویوک داش سالدی. ال-اله وئریب بو آغیر داشی اوز اوستوموزدن قالدیریب، کینارا توللاماینجا، بیز بو داشین آلتیندا آه و زار ائدهجگیک.

بو سؤزلردن سونرا محمد حسن علی زنوزی الینده کی روزنامه نی آلیب دئدی:

- قارداشلاریم، سؤیله دیگیم سؤزلر کؤهنه دیر، تازا صحبت بوراسیندادر کی بو ساعات ایراندا فارس میللیتچیلری دانیشماقدادیرلار.

فارس میللیتچیلری دئییرلر کی، احمد شاه ییز اوندان اوترو تختدن یئندیرمه دیک کی شاهلیغی بیز دوست تومتوروق، خئیر، اوندان اوترو یئندیردیک کی قاجارلار تورک نسلیندیرلر!

سؤزومون ثبوتو اوچون سیزه بیر وثیقه گتیرمیشم. بو گیلاندا رضا شاهین طرفدارلارینین پولو ایله نشر اولونان "سلامت" روزنامه سیدیر. گؤرون همین روزنامه اوچونجو سایسیندا نه یازیر:

"مقصد از خلع احمد شاه، نه اینکه تبدیل اصول نظام به جمهوریت بود، نه، نه، نعوذبالله- بلکه تعویض طایفه قلدراآسای قاجاریان ترکی به سلاله طاهره نجیب پهلوی فارسی بود."

بو فارس میللیتچی لرین سؤزو!

قارداشلار، منده سیزی بورایا دعوت ائدیب، هامینیزا دئییرم، بیز او میللتچی لره بئله جواب وئرمه لیبیک کی: بیز ایران آذربایجانلیلار اوچون فارسلاردا قارداشدی، تورکلرده قارداشدی. اثرمنی، روس، گورجو، یهودی و... هامیسی قارداش و یولداشیدیلار. آما بیر نفر تورک ائله کی پادشاه اولدو بیزیم اوچون زیبیلدیر. بیر نفر روس، اثرمنی، یهودی، گورجو ده ائله کی پادشاه اولدو بیزیم اوچون یئنه زیبیلدیر.

هابئله بیر فارس دا بیزیم ایله قارداشدیر، آما ائله کی تخته چیخیب پادشاه اولدو، یئنه بیز ایراندا اولان تورکلر اوچون زیبیل اولدو.

بورادا ناطیق نوطقونو قورتاریب آقیشلار آلتیندا آشاغی دوشدو. خلق داغیلماغا باشلادی، من ده دوروب یولا دوشدوم.

ملانصرالدین "۱۰ خرداد ۱۳۰۵"، "۲ یانوار ۱۹۲۶"

ترجمه فارسی متن:

منظور اصلی چه بوده است؟

این روزها در یکی از مساجد تجمع عظیمی بود. مجتَمعین همگی ایرانیان مقیم باکو بودند. من نیز به طریقی خود را به داخل مسجد انداختم.

کاشف به عمل آمد که علت اجتماع مردم، محمد حسن زنوزی از آزادیخواهان تبریز است که از طریق گیلان خود را به باکو رسانده است.

رأس ساعت ۱۲ "محمد حسن زنوزی" بالای منبر رفت و از جیب بغل خود نسخه ای از یک روزنامه را بیرون آورد، به مردم سلام داد و شروع به سخنرانی کرد:

- من در این لحظه احساس خوشبختی می‌کنم که پس از تحمل رعب و وحشت بسیار، این فرصت را یافتم که در اینجا با برادران هموطن خود دیدار کنم و درد خود را با آنان بازگو کنم. عرض کنم زخم معنوی که قلب و روح مرا جریحه دار کرده است، هر اندازه هم مهلک بوده باشد، در این مجلس جمیع آلام من شفایاب خواهد شد.

- سخن از مصیبت‌هایی است که از زمان خلق عالم تا به امروز بر سر ایرانیان آمده، امروزه در حالی که ملل همسایه اطراف ما در هوای آزادی نفس می‌کشند ما ایرانیان تیره بخت نیز که به قریب الوقوع بودن این آزادی امید بسته بودیم که یک نفر مازندرانی که خود را "شاه" اعلام کرد و باز سنگ بزرگی بر سر مردم ما افکند، تا دست به دست هم ندهیم و این سنگ گران را از روی خود برنداشته و به گوشه ای پرت نکنیم، زیر این سنگ آه و ناله خواهیم کرد.

محمد حسن زنوزی پس از این سخنان روزنامه ای را که در دستش بود باز کرد و گفت :

- برادران حرف‌هایی که زدم کهنه بود، مطلب تازه اینجاست که هم اکنون ملی گرایان فارس حرف (اول را) می‌زنند.

ناسیونالیست‌های فارس می‌گویند، منظور ما از خلع تاج و تخت احمد شاه این نبود که ما نظام شاهنشاهی را دوست

نمی‌داریم، خیر بلکه بدین سبب او را از سلطنت خلع کردیم که قاجارها ترک تبار بودند!

برای اثبات سخنانم وثیقه ای برایتان آورده ام، این روزنامه "سلامت" است که در گیلان با پول طرفداران رضاشاه

انتشار می‌یابد. ببینید این روزنامه در شماره سوم خود چه می‌نویسد:

"مقصد از خلع احمد شاه، نه اینکه تبدیل اصول نظام به جمهوریت بود، نه، نه، نعوذبالله - بلکه تعویض طایفه قلدرآسای قاجاریان ترکی به سلاله طاهره نجیب پهلوی فارسی بود."

این حرف ناسیونالیستهای فارس است!

برادران من نیز شما را بدینجا دعوت کرده، به همگی اعلام می کنیم، که ما باید به آن ناسیونالیستهای فارس باید چنین پاسخی بدهیم که: برای ما آذربایجانیهای ایران فارسها برادرند، ارمنی، روس، گرجی، یهودی و ... همه برادر و دوستند. اما یک نفر ترک همین که پادشاه شد، برای ما آشغال است. یک نفر روس، ارمنی، یهودی و گرجی نیز همین که پادشاه شد، برای ما باز آشغال است.

هم چنین یک فارس نیز با ما برادر است، اما به محض اینکه بر تخت نشست و پادشاه شد، باز از نظر ما ترکان ایران آشغال است.

در اینجا ناطق سخنانی خود را به پایان رساند، و در حالیکه مجتمعیین برای او کف می زدند (از منبر) پایین آمد. مردم پراکنده شدند، من نیز برخاسته به راه افتادم.